

حکومت اسلامی منفورترین حکومت جهان!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

کارگران، مردم آزاده و همه نیروهای آگاه جامعه ایران، سی سال است بر علیه حکومت جهل و جنایت اسلامی مبارزه می کنند. اما در سه ماه اخیر این مبارزه به حدی به اوج خود رسید که میلیون ها نفر از شهروندان ایرانی در خیابان ها با شعارهایی هم چون «مرگ بر دیکتاتور»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» و ...، با انتشار هزاران فیلم و گزارش و خبرهای لحظه به لحظه ای که از صحنه های مبارزه خود گرفته بودند و از طریق سایت های اینترنتی، فیس بوک، یوتوب، رادیو، تلویزیون و غیره منتشر شد، عمیقا افکار عمومی مردم جهان را تحت تاثیر قرار دادند.

امروز به دلیل این که کشتن تظاهرکنندگان در خیابان ها، گرفتن اقرار دروغین از زندانیان در زیر شکنجه، تجاوز به زندانیان و حتی کشتن آن ها در زیر شکنجه توسط نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی به کوش مردم جهان نیز رسیده است، بیش از هر زمان دیگری این حکومت، منفورترین حکومت جهان محسوب می شود. اکنون علی خامنه ای رهبر حکومت اسلامی، احمدی نژاد رییس جمهوری این حکومت و دیگر سران و مسئولین آن با همه ارگان هاییشان از قوه قضائیه تا سپاه پاسداران، از لباس شخصی ها تا نیروهای بسیج و غیره به دلیل جنایت علیه بشریت، آن چنان رسوا شده اند که حتی در اظهارنظرهای خود نیز دچار جنون شده اند.

خامنه ای و احمدی نژاد، نه تنها در آدمکشی، بلکه در دروغگویی و کلاهبرداری نیز مهارت فوق العاده ای دارند! آن ها، با بی شرمی روز روشن را سپاه و سپاهی شب را روشنائی می نامند. برای نمونه احمدی نژاد در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۸۸ - ۲۸ اوت ۲۰۰۹، در نماز جمعه تهران گفت: «همه می دانند در ایران انتخابات یک امر اصیل است، برخلاف دموکراسی های رایج دنیا که یک نمایش و یک طراحی از پیش تعیین شده است.»؟! وی، در ادامه هذیان گویی های خود، بی شرمانه ادعا کرد: «به عنوان یک فرد مطلع می گویم آنچه در کوی دانشگاه و برخی بازداشتگاه ها انجام شد اجزای دیگری از سناریوی دشمن و وابستگان جریان برانداز بود.» احمدی نژاد با استناد به شواهد، دلایل و اسناد ادعایی خود تاکید کرد: ساخت نیروهای انقلاب اعم از امنیتی، نظامی انتظامی و اطلاعاتی از این اقدامات شرم آور میراست.» وی گفت: «بسیجیان در خیابان ها کتک خوردند، دم برنیابورند و مراقب حقوق عمومی بودند تا به کسی و جایی تعرض نشود.»

عموما دیکتاتورها در بیانات خود هم اغراق می کنند و هم دروغ می گویند و هم در اعمال قدرت خود به جامعه، به هر کاری از جمله سرکوب و کشتار برای کنترل جامعه متوسل می شوند. برخی از آدم ها و حکومت ها به دلیل این که هیچ منطقی را نمی پذیرند به دروغ گویی، عوام فریبی و زور متوسل می شوند. با اقدامات قلدرمنشانه خود زیر دست ها و شهروندان را تحت ستم و آزار مداوم قرار می دهند تا از آن ها زهرچشم بگیرند و به اطاعت کورکورانه وادار نمایند. کنار آمدن با افراد قدرت طلب و پرخاشگر و رهایی از سلطه حکومت های دیکتاتوری کار مشکلی است و آن ها به راحتی از سلطه خود دست برنمی دارند. تا آن جایی که در توان دارند به زور و سرکوب و کشتار مخالفین متوسل می شوند اما قدرت آن ها در مقابل خیزش عمومی بسیار شکننده است و دیر یا زود هم چون بادکنکی می ترکند. بنابراین، دیکتاتورهایی هم چون خامنه ای و احمدی نژاد جنون آدمکشی دارند.

بی جهت نیست که ۱۲۰ پزشک و روانپزشک نامه نوشته و توصیه کرده اند که از این پس مقامات و مسئولین کشور، پیش از انتصاب از نظر روانی مورد معاینه قرار گیرند. اتفاقا این نامه در روزنامه جمهوری اسلامی نیز منتشر شده است، در پی افشای جنایاتی است که در زندان ها و بازداشتگاه ها، علیه معترضان صورت گرفته است.

بحث تنها بر سر روانی بودن و جنون شکنجه و تجاوز به زندانیان و حتی کشتن آن ها در زیر شکنجه توسط مسئولین بازداشتگاه ها و زندان ها، روان پریشی بازجویان و یا اختلال روانی فرماندهان نیروی انتظامی و سپاهی نیست، حتی بحث بر سر حالات روانی و غیرعادی احمدی نژاد و خامنه ای نیز است. اساسا چه تفاوتی هست بین آن هایی که با مسئولان و شکنجه گران در زندان و بازداشتگاه ها که به زنان و دختران و پسران جوان تجاوز می کنند و در زیر شکنجه می کشند با فرمان های خامنه ای و احمدی نژاد و غیره. تازه نقش رهبری، سیاست های کلان را تعیین می کند نه مامورین و معزورین. از این رو، جنایت سران و جناح های حکومت اسلامی را نباید در حد بیماری روانی تئی چند از بازجوها و یا ماموران زندان ها تنزل داد. سران و عناصر رده بالای حکومت اسلامی، آگاهانه و از پیش طرح ترور، سرکوب، شکنجه، سنگسار، اعدام و غیره را به تصویب می رسانند، جنبه «قانونی؟!» می دهند و سپس نیروهای سرکوبگر و وحشی خود را مامور اجرا آن ها می کنند.

باین ترتیب، بر خلاف ادعاهای دروغین و کاذب احمدی نژاد، نه تنها وی و دولتش در نزد اکثریت مردم ایران، بلکه در نزد افکار عمومی مردم جهان نیز منفورترین دولت هاست! فراتر از آن نیز رهبرش خامنه ای، اگر روزی خبری از سرکوب و کشتار و شکنجه و تجاوز به زندانیان و اعدام نشوند آرام نمی گیرد و تعادل خود را از دست می دهد.

محمود احمدی نژاد، روز ۲۸ مرداد فهرست ۲۱ وزیر پیشنهادی خود برای حضور در ترکیب کابینه دهم را به هیات ریسه مجلس شورای اسلامی ارائه کرد که در میان آن ها تنها هفت وزیر کابینه نهم قرار دارند. به دنبال آن، چانه زنی ها و رشوه دهی ها به نمایندگان مجلس و به ویژه توصیه های رهبر آغاز شد. اعتماد در رابطه با چانه زنی بر سر وزرا نوشته بود، این روزها مهمانی های محمود احمدی نژاد خلوت است و هر بار خلوت تر هم می شود. همان طور که رییس دولت نهم تمایلی ندارد به دعوت ها پاسخ دهد، این روزها صندلی اش در بسیاری از جلسسه های رسمی خالی است. در مقابل صیافت های پاسنور هم چندان پرونق نیست تا جایی که یک شب در مهمانی که قرار بود به افتخار نماینده ها ترتیب دهند تنها ۲۰ نماینده از ۲۹۰ نماینده رفتند تا صیافت تبدیل به یک ملاقات مختصر شود.

در فهرست پیشنهاد شده از سوی احمدی نژاد، تنها پنج نفر از اعضای کابینه دولت نهم در سمت پیشین خود ابقا شده اند. شمس‌الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی، منوچهر منگی وزیر امور خارجه، حمید بهبهانی وزیر راه و ترابری، محمد عباسی وزیر تعاون و علی اکبر محرابیان وزیر صنایع و معادن، وزیرانی هستند که از سوی احمدی نژاد در پست های خود ابقا شده اند.

دو وزیر از وزیران کابینه نهم، مصطفی محمد نجار و مسعود میرکامپی، هم برای وزارتخانه های دیگری معرفی شده اند. محمد نجار که در دولت قبلی وزارت دفاع را در اختیار داشت به عنوان وزیر کشور به مجلس معرفی شده و میرکامپی، وزیر پیشین بازرگانی، گزینه تصدی وزارت نفت است.

مشاور معاون پارلمانی، در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۸۸، اسامی و سوابق ۲۱ وزیر پیشنهادی احمدی نژاد اعلام کرد که ۳ وزیر پیشنهادی دیگر هم چنان تعیین نشده اند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی مجلس شورای اسلامی، فهرست کابینه دهم به این شرح است:

۱- وزارت آموزش و پرورش: سوسن کشاورز؛ ۲- وزیر ارتباطات و فناوری: رضا تقی پور؛ ۳- وزیر اطلاعات: حیدر مصلحی؛ ۴- وزیر امور اقتصاد و دارایی: شمس‌الدین حسینی؛ ۵- وزارت امور خارجه: منوچهر منگی؛ ۶- وزیر بازرگانی: مهدی غضنفری؛ ۷- وزیر بهداشت، درمان و آموزش: مرضیه وحیددستجردی؛ ۸- وزارت تعاون: محمد عباسی؛ ۹- وزارت جهاد کشاورزی: صادق خلیلیان؛ ۱۰- وزارت دادگستری: مرتضی بختیاری؛ ۱۱- وزارت دفاع: احمد وحیدی؛ ۱۲- وزیر راه و ترابری: حمید بهبهانی؛ ۱۳- وزیر رفاه و تامین اجتماعی: فاطمه آجرلو؛ ۱۴- وزیر صنایع و معادن: علی اکبر محرابیان؛ ۱۵- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری: کامران دانشجو؛ ۱۶- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: محمد حسینی؛ ۱۷- وزارت کار و امور اجتماعی: عبدالرضا شیخ‌الاسلامی؛ ۱۸- وزارت کشور: مصطفی محمد نجار؛ ۱۹- وزارت مسکن و شهرسازی: علی نیکزاد؛ ۲۰- وزارت نفت: سیدمسعود میرکامپی؛ ۲۱- وزیر نیرو: محمد علی آبادی.

اما نمایندگان حاضر در جلسه (۲۸۶ نفر) به سوسن کشاورز، وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش، فاطمه آجرلو، وزیر پیشنهادی رفاه و تامین اجتماعی و محمد علی آبادی، وزیر پیشنهادی نیرو رای اعتماد ندادند.

دست کم دست کم در میان ۱۸ وزیر دولت دهم، ۸ تن از وزرای پیشنهادی دارای سابقه نظامی، مسئولیت های مهم در وزارت دفاع و یا سابقه امنیتی هستند.

حجت الاسلام حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات، احمد وحیدی وزیر دفاع، و محمد نجار وزیر کشور از وزرای هستند که سابقه فرماندهی ارشد در سپاه پاسداران دارند.

مسعود میرکامپی، فاطمه آجرلو، علی اکبر محرابیان، سید محمد حسینی، کامران دانشجو و مرتضی بختیاری نیز ۵ وزیر دیگر، در رده های میانی نهادهای نظامی و امنیتی به فعالیت اشتغال داشته اند.

از سوی دیگر، برای اولین بار است که مدیریت وزارت نفت به یکی از نظامیان سابق سپرده می شود، کاری که احمدی نژاد چهار سال پیش نیز قصد داشت با معرفی صادق محصولی به عنوان وزیر پیشنهادی نفت به انجام برساند اما با مخالفت مجلس هفتم روبرو شد. گماردن یک نظامی به وزارت نفت از یک سو می تواند بخش دیگری از این صنایع را هم چون گذشته در اختیار سپاه قرار دهد و از سوی دیگر، این صنعت مهم و حیاتی کشور را زیر کنترل مداوم نظامیان قرار دهد تا هرگونه اعتراض و اعتصاب کارگری را شدیداً سرکوب کنند.

پلیس بین المللی (اینترپل)، قرار داشتن نام احمد وحیدی، وزیر دفاع محمود احمدی نژاد را در فهرست افراد تحت تعقیب تایید کرده است.

سرتیپ پاسدار احمد وحیدی، به اتهام شرکت در بمب گذاری در مرکز یهودیان در بوئنوس آیرس، پایتخت آرژانتین در سال ۱۹۹۲، تحت تعقیب است و از دو سال پیش برای بازداشت او «اعلان سرخ» صادر شده است. وقتی از جانب اینترپل اعلام فرمز می شود، مقامات پلیس کشورهای عضو دعوت می شوند که اگر شخص مورد نظر در حوزه آن کشورها پیدا شد، بر اساس مقررات داخلی خودشان و با روحیه همکاری او را دستگیر کنند و به کشوری که حکم جلب شخص را صادر کرده تحویل بدهند.

در انفجار مرکز یهودیان بوئنوس آیرس، ۸۵ تن کشته و حدود ۲۰۰۲ نفر نیز زخمی شدند و در آن هنگام وحیدی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران بوده است.

قوه قضاییه آرژانتین، احمد وحیدی را متهم کرده است که در همکاری با چند تن دیگر از مقامات بلندپایه ایران، در سال ۱۹۹۲، عملیات بمب گذاری علیه مرکز یهودیان «امیا» در بوئنوس آیرس را برنامه ریزی و اجرا کرده است.

به گفته آلبرتو نیسمان، دادستان آرژانتینی مسئول پرونده وحیدی، افزون بر آن که احمد وحیدی با حکم جلب از سوی دولت آرژانتین تحت پیگرد قانونی است، نامش در لیست پلیس بین المللی (اینترپل) نیز به چشم می خورد.

در روزهای اخیر نیز حسن فیروز آبادی، رییس ستاد کل نیروهای مسلح به خیرگزاری رسمی اپرنا گفته است که سه وزیر پیشنهادی برای وزارتخانه های اطلاعات، کشور و دفاع مورد تایید فرماندهان نظامی هستند. رییس ستاد کل نیروهای مسلح که بارها حمایت خود از احمدی نژاد را اعلام کرده درباره سایر وزرای پیشنهادی اظهار نظر نکرده است، اما همین تایید نیز می تواند بیانگر تلاش احمدی نژاد برای جلب نظر فرماندهان ارشد نظامی باشد.

اگر واقعا پرونده سران و عناصر رده بالای حکومت اسلامی باز شود، شاید کم تر کسی در میان آن ها بتوان پیدا کرد که در سرکوب مستقیم مردم، شکنجه زندانیان سیاسی و اقرار گیری از آن ها در زیر شکنجه، جوخه های ترور و اعدام و به طور کلی سازمان دهی جنایت علیه مردم ایران نقش نداشته باشد. در راس همه جانیان و تروریست های حکومت اسلامی می توان به نقش اصلی جانیانی هم چون خامنه ای، احمدی نژاد، میرحسین موسوی، محسن رضایی و غیره در سرکوب و جنایت و ترور مخالفین اشاره کرد.

در هر صورت پس از رای اعتماد به ۱۸ تن از وزرای پیشنهادی احمدی نژاد در مجلس، محمد رضا باهنر، نایب رییس مجلس در سخنانی بر نقش مستقیم خامنه ای در تایید کابینه جدید احمدی نژاد تاکید نمود.

یک روز بعد از پایان رای گیری، محمدرضا باهنر نایب رییس مجلس رسماً اعلام کرد که رهبر برای نمایندگان مجلس پیام فرستاده و گفته بود: «روی تجربه وزرای پیشنهادی زیاد بحث نکنند. اصل پاکدستی و ولایت پذیری باید باشد.»

باهنر گفته است: «به هر حال همه چیز به خیر گذشت و پیام رهبری بود که نقش مهمی در این زمینه ایفاء کرد. در زمان شمارش آرا فضا را این طور می‌شد دید که اگر توصیه رهبری نبود احتمال داشت که ۸ الی ۹ نفر از وزرا رای نیاورند و این آغاز خوبی برای دولت نبود.»

نایب رئیس مجلس می‌افزاید: «اگر پیام رهبری نبود احتمال می‌دهیم که وزرای نفت، صنایع، بازرگانی، تعاون، راه و ترابری و حتی وزارت خارجه رای نمی‌آوردند.»

بنا به گفته آقای باهنر آیت الله خامنه‌ای به نمایندگان مجلس پیام داده بود که در کارآمدی وزرای پیشنهادی بر نظر رئیس جمهور اعتماد کنند.

روز پنج‌شنبه محمود احمدی‌نژاد، پس از پایان سخنان موافق و مخالف وزیران پیشنهادی در صحن مجلس گفت: «صحنه این چهار پنج روز نشان داد که دموکراسی در ایران حقیقی است و یک الگوی جدید از دموکراسی را به دنیا ارائه کرد.»

محمود احمدی‌نژاد، سه ماه وقت دارد تا برای وزارتخانه‌هایی که وزرای آن نتوانستند از مجلس رای اعتماد بگیرند، نامزدهای جدید معرفی کند.

لازم به تاکید است که در همین مجلس کسی درباره ثروت و شغل قبلی وزرای پیشنهادی بحث نکرد تا معلوم شود امروز چی دارند و فردا که از کابینه می‌روند چه خواهند داشت؟!

معیار دومی که رهبر گفته است آن را ملاک قرار دهند «ولایت پذیری» است. معنای ساده این ولایت پذیری، یعنی پیروی از آنچه وی می‌گوید، است. در حالی که مردم در راه پیمایی‌ها و تظاهرات‌های میلیونی خود، نه تنها وی، بلکه با شعار «مرگ بر دیکتاتور» نفرت و بی‌زاری خود را از کل حکومت اسلامی اعلام کرده‌اند.

بدین ترتیب، با هدایت و رهبری علی‌خامنه‌ای رئیس‌جمهور، دولت و کابینه‌اش را انتخاب کرده بود، از تایید مجلس هم گذشت. اکنون این سناریو تکمیل شده است که از رهبری تا مجلس، از لباس شخصی‌ها تا سپاه پاسداران و غیره همگی برای دفاع از حکومت جهل و جنایت و خون‌آماده شوند و هر اعتراض مردم را در نطفه حفه کنند. اما این‌ها نیز در این سه ماه متوجه شده‌اند خیزشی که در خیابان‌ها راه افتاده است هر چند اکنون با سرکوب و کشتار کمی فروکش کرده است اما قلب این مبارزه هم‌چنان در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و محلات می‌طپد که نه توهمی به حکومت و جناح‌های آن دارد و نه ترسی از این‌جانیان. اکنون کل حاکمیت را این ترس فراگرفته است که اگر جنبش کارگری در سراسر کشور به طور جدی وارد صحنه سیاسی و اجتماعی کشور شود و جنبش دانشجویی و جنبش زنان و دیگر جنبش‌های آزادی‌خواه و تحت ستم را نیز با خود همراه و متحد کند، چه کار خواهند کرد؟!

پی‌چفت نیست که کلیه ارکان‌های سرکوب حکومت اسلامی سرکوب همه‌جانبه اعتراضات خیابانی، جنبش کارگری و جنبش دانشجویی را در افق و چشم‌انداز خود قرار داده است. شکی نیست که سرنوشت نهایی جامعه ایران را این جنبش‌ها و در پیشاپیش همه جنبش کارگری متشکل و آگاه رقم خواهد زد.

اکنون اکثریت شهروندان ایرانی و جریان‌های سیاسی و اجتماعی در داخل و خارج کشور، خواهان برکناری این حکومت جانی‌هستند و به آلترناتیو آن می‌اندیشند.

در چنین شرایطی، هر کسی و هر جریانی که به نوعی به این و یا آن جناح حکومت اسلامی، نزدیکی نشان دهد یا سخت در اشتباه است و یا منافعی در حفظ این حکومت دارد. در هر صورت در آینده چنین افراد و جریان‌های مورد بازخواست مردم آزاده و آگاه قرار خواهند گرفت. زیرا رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر و انسانی از مسیر نفی کلیت حکومت اسلامی و مبارزه در جهت سرنگونی آن با قدرت اجتماعی می‌گذرد.

چهاردهم شهریور ۱۳۸۸ - پنجم سپتامبر ۲۰۰۹